

نگاه اهالی موسیقی به نام‌گذاری روز «آواها و نواهای ایرانی» و بزرگداشت «صفی‌الدین ارموی» در گاه‌شمار ایرانی

نابغه‌ای که همچنان در محاق ماند



فرانک آرتا

پنجشنبه ۶ بهمن‌ماه در تقویم رسمی کشور روز موسیقی تحت عنوان «روز آواها و نواهای ایرانی» و همچنین روز بزرگداشت «صفی‌الدین ارموی» نام‌گذاری شده است. این حرکت که به تأیید شورای انقلاب فرهنگی رسیده، هرچند دیر هنگام بوده اما ضرورت توجه بیشتر به هنر موسیقی را بیش‌ازپیش گوشزد می‌کند.
با این‌حال هنرمندان موسیقی نظرات متفاوت و حتی متضادی نسبت به این رخداد دارند که دقت در نظرات هر یک از آنها وضعیت متکثر موسیقی در ایران را نشان می‌دهد که باید متولیان فرهنگی و هنری به آن وقع بنهند و توجه داشته باشند سبهر موسیقی ایران متحد‌الشکل نیست که بتوان تصمیم واحدی درباره آن اتخاذ کرد. مهم این است که همه صداها شنیده و پاسخ در خوری به آن داده شود.
و اما نکته بسیار مهم این است که اغلب هنرمندان موسیقی از وضعیت فعلی دل‌نگران‌اند؛ برخی‌ها با امید این مسیر را طی می‌کنند و برخی‌ها هم با دلخوری در بی چاره برای برون‌رفت از وضعیت فعلی‌اند. پس مسئولان محترم! هرچه زودتر تدبیری کنید…

تأثیرات ماندگاری بر هنر موسیقی و خوشنویسی ایران گذاشت. نخست شاگردانی بودند که در خط و موسیقی تربیت کرد که برخی از آنها سرآمد این هنرها شدند. دوم رساله‌های مهمی است که در زمینه موسیقی نوشت. سوم سازهایی است که با دخل و تصرف در سازهای قدیمی ابداع کرد. چهارم نظریاتی بود که در زمینه تئوری موسیقی ابداع کرد یا بر نظرات قدما افزود. و دست آخر آنکه از روشی نظام‌مند برای ثبت و ضبط موسیقی به شکل مکتوب استفاده کرد. رساله‌های صفی‌الدین در علم موسیقی مورد احترام و تقلید هنرمندان ایرانی و سایر ممالک اسلامی بوده است و ابن صبیقل (ادیب و لغت‌شناس مشهور، درگذشته ۷۰۱ ه‍.ق) از او با القابی مانند «الصدر الکبیر»، «عالم فاضل» و «علامه» یاد کرده است. بیشتر مؤلفان بر این باورند که رساله‌های «شرفیه» و «الآدوار» صفی‌الدین منجر به بروز انقلابی بزرگ در موسیقی در سراسر عالم شده است تا جایی که «ژوزف یکتالیبک» موسیقی‌شناس نامی ترک درباره صفی‌الدین ارموی چنین می‌نویسد: «بزرگ موسیقی‌شناس ترک، صفی‌الدین ارموی نام داشته و به روزگار خلافت مستعصم خلیفه عباسی در نیمه دوم قرن هفتم می‌زیسته و توانست دوره ثابت و لاتغییر سابق را به پایان آورد.»

سازها

ارموی دو ساز به نام‌های «مُغنی» و دیگری «زَهره» ابداع کرد. زهره در حقیقت حاصل ترکیب سازهای چنگ و قانون بود.

تنه آن به شکل مربع-مستطیل، از چوب بید سرخ ساخته می‌شد و دو خرک و ۸۱ تار داشت که در دسته‌های سه‌تایی با هم کوک می‌شدند. مغنی در حقیقت ترکیبی بود از سازهای قانون، رباب و زهره. اگرچه صفی‌الدین در دوره‌ای می‌زیست که زبان فارسی در حال گسترش بود (چنان‌که ادبای پیش از او و هم‌دوره او نظیر امام محمد غزالی، مولوی و سعدی آثار شاخصی به فارسی نگاشتند)، اما از آنجا که او بیشتر عمرش را در بغداد گذراند، آثارش را نیز به زبان عربی نگاشت! اهمیت این آثار و تأثیری که ارموی بر موسیقی داشته، چنان است که او را در کنار «فارابی» و «عبدالقادیر مراغه‌ای» به‌عنوان یکی از سه موسیقی‌دان بزرگ ایران و عالم اسلام دانسته‌اند.

آثار موسیقی

آثار موسیقی‌ای که از صفی‌الدین بر جا مانده است، به سه دسته تقسیم می‌شوند: صوت، قول و نوبه. صوت‌ها (که دو نمونه از آنها در پایان رساله ال‌آدوار آمده است) قطعه‌هایی کوتاه هستند. قول‌ها قطعات مفصل‌تری هستند و قطب‌الدین شیرازی در در‌التاج یک نمونه از قول‌های منسوب به صفی‌الدین را آورده‌است. هر قول شامل چند بخش می‌شد که به آن «نوبه» گفته می‌شده است؛ اجرای نوبه در زمان صفی‌الدین بسیار طرفدار داشته است. بنا به یک روایت، صفی‌الدین بیش از ۱۳۰ نوبه ساخته بود.

منبع: سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



داوود گنجه‌ای، پیش‌کسوت موسیقی

امیدوارم

نام‌گذاری روز ملی موسیقی را به فال نیک می‌گیرم و همین که بعد از سال‌ها یکی از روزهای سال به نام موسیقی مزین شده و وارد تقویم رسمی کشور شده باعث دلگرمی است. فقط امیدوارم وضعیت موسیقی هم روزبه‌روز بهتر شود.

کوتاه درباره صفی‌الدین ارموی

صفی‌الدین عبدالمؤمن بن ابی‌المفخر یوسف بن فاخر ارموی، معروف به صفی‌الدین ارموی در سال ۶۱۳ ه‍.ق در ارومیه متولد شد و در سال ۶۹۳ ه‍.ق در بغداد از دنیا رفت. او موسیقی‌دان، خوش‌نویس، ادیب و عروض‌دان و پیش‌نژاد مکتب منظمیه بود. ارموی در کودکی به بغداد مهاجرت کرد و بیشتر عمرش را در آنجا گذراند. قسمتی از این دوره در زمان خلافت عباسی بود و قسمت دیگرش پس از فتح بغداد به دست هلاکو و تحت سلطه مغولان رخ داد. صفی‌الدین که در موسیقی و خوشنویسی بسیار توانا بود، در هر دو دوره صاحب جایگاه درباری بود. رابطه او با خاندان چوبینی در زمان حکومت مغولان بر بغداد مؤثر بود؛ اما نهایتاً با تزلزل جایگاه خاندان چوبینی حمایت خود را از دست داد و درحالی‌که به خاطر بدعهداری به زندان افتاده بود، درگذشت. از صفی‌الدین دو رساله مهم بر جای مانده است: رساله «الادوار» که بسیاری آن را آغازگر مکتب منظمیه و یکی از شاخص‌ترین آثار در زمینه تئوری موسیقی ایرانی-اسلامی می‌دانند و رساله «شرفیه» که بالغ بر ۳۰ سال بعد نگاشت و با وجود محتوای مفصل‌ترش، کمتر از «الادوار» مورد توجه بوده است. او همچنین به تعلیم شاگردانی چند در زمینه خوشنویسی و موسیقی پرداخت و چند رساله دیگر نیز نگارش کرد. دوران زندگی صفی‌الدین را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: پیش از حمله مغول به ایران و پس از حمله مغول. ارموی از پنج شکل،

گفت‌وگوبا «یسنا خوشفکر»، خواننده و پژوهشگر موسیقی

چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند

♦ **ششم بهمن‌ماه در تقویم رسمی ایران به نام «روز آواها و نواها» و «بزرگداشت صفی‌الدین ارموی» مزین شده که ظاهراً شما در ثبت این رویداد تلاش کردید که پس از سپری‌شدن مراحل قانونی به تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی هم رسید. صفی‌الدین ارموی با وجود جایگاه هممش چندان میان مردم شناخته‌شده نیست، به نظر شما چرا؟**

بله، خوشبختانه روز موسیقی به نام آواها و نواهای ایرانی با امضای ۳۰ نفر از افراد شناخته‌شده موسیقی و با نامه استاد فریدون جنیدی، مدیر بنیاد ایران‌شناسی نیشابور و با پیگیری‌هایی که این‌جانب بر حسب علاقه و وظیفه فرهنگی‌ام انجام دادم، به نتیجه رسید. اینکه چرا صفی‌الدین ارموی بین مردم مانند فارابی و عبدالقادیر مراغه‌ای شناخته‌شده نیست، جای تأسف دارد که به گمان بنده بیشتر به دلیل نبود کار رسانه‌ای و آگاهی‌رسانی درباره این شخصیت بزرگ تاریخ موسیقی ایران است.

♦ **در این میان این سؤال پیش می‌آید که چرا «صفی‌الدین ارموی»، او برای موسیقی ایران چه کرده است؟**

اگر بخواهیم گزینه درباره ایشان بگوییم، اصل مطلب این است که صفی‌الدین با بهره‌گیری از اسناد و کتب قدیم که امروز در دسترس ما نیست و با بررسی و تحقیق و بازنگری همچنین به دلیل اشراف به علم نظری و فواصل موسیقی و سازهای ایرانی، توانست موسیقی ایران را مدون و به نسل پس از خود منتقل کند. کسانی مانند صفی‌الدین ارموی افزون بر دانش و مهارت در نوازندگی علم نظری و مبانی موسیقی ایران، بسیار دلسوز بودند و نسبت به سرنوشت این هنر احساس وظیفه می‌کردند. بی‌شک نه در این دوره بلکه در همه دوران‌ها ما به بزرگانی مانند صفی‌الدین ارموی نیاز داریم.

و شکفت‌انگیز هستند. هر دو در جایگاه خود رفیع‌اند و طرفداران خود را دارند. اما اینکه برخی جاها با موسیقی ایرانی مخالفت می‌شود، موضوعی قابل‌انکار نیست و چنین رویکردی هنرمندان فرهنگ خود را در برابر این‌همه هجوم ماهواره‌ها پیش از اینکه دشمن برسد به دست خود نابود می‌کنند و در پیشگاه تاریخ باید پاسخ‌گو باشند.

♦ **در کنارروز «نواها و آواها»، بزرگداشت صفی‌الدین ارموی هم در تقویم درج شده است. چرا نام این موسیقی‌دان بزرگ برای مردم ما ناآشناست؟**

این برمی‌گردد به کوتاهی ما که درنگ کافی نداشته‌ایم!
♦ **این «ما» چه کسانی هستند؟**
کلیت جامعه ایرانی، برخلاف اینکه ادعای فرهنگ‌پروری و داشتن تمدن کهن را داریم، گاهی اوقات از اصل موضوع غفلت می‌کنیم که گمنام‌بودن صفی‌الدین ارموی یکی از همان غفلت‌های بزرگ ماست. سال گذشته آهنگ‌ساز آل‌بومی بومد به نام «بخارا» که بر اساس اشعار حکیم رودکی منتشر شد که به خوانندگی «وحید تاج» و یک خواننده تاجیکی به نام «فاضل شاه‌شادی» وارد بازار شد. اشعار رودکی مربوط به بیش از هزار و اندی سال پیش است و رودکی را پدر شعر پارسی می‌نامند. ما فقط پیش‌تر تنها چند تصنیف از این شاعر بزرگ داشتیم که معروف‌ترین آنها را استاد غلامحسین بنان و …



قرار گیرد تا کلمه «موسیقی» که ریشه لاتین و غیرایرانی دارد. اتفاقاً جناب جنیدی در نشست‌های خودشان در این‌باره به تفصیل سخن گفته‌اند و من هم موافقم که به‌کارگیری واژگان پارسی هم مطلوب است و هم راهگشا. هرچند در آغاز شوربختانه شاید کمتر آشنا باشند.

♦ **گفته می‌شود موسیقی شرقی و ایرانی در برابر موسیقی غربی همچون قطره اشکی است در برابر آقیانوس. باین‌حال برخی‌ها همین قطره اشک را هم دوام نمی‌آورند! تحلیلتان چیست؟**

در کل با چنین نگاهی موافق نیستم؛ چون اصلاً چنین مقایسه‌ای درست نیست! هم موسیقی غربی و هم شرقی در جایگاه خود قدر و منزلت دارند، هم‌جنس یکدیگر نیستند اما هر دو شورآفرین

آنها نگران می‌زبان هستند!

♦ **یکی از دلایل ذکرشده این است که واژه «موسیقی» ریشه لاتین دارد و واژه پارسی نیست!**

این دلایلی که ذکر می‌کنند، بیشتر حواشی است! آخر این چه حرف‌هایی است که می‌گویند. ما در عصر دیجیتال زندگی می‌کنیم و کل دنیا مثل یک خانه شده است. به همین دلیل باید بگویم با عرض شرمندگی مخالف چنین اسمی هستم.

♦ **نظرتان درباره بزرگداشت صفی‌الدین ارموی چیست؟**

ما به غیر از ایشان بزرگانی مثل عبدالقادیر مراغه‌ای، فارابی، ابن‌سینا، باربد و نکبسا هم داریم. اصلاً چرا اسم باربد و نکبسیا را نگذاشتند؟ از نظر من این فکر هم خالی از اشکال نیست. به هرحالت مجموعه فرهنگ و هنر و شورای انقلاب فرهنگی این فکر را به مرحله عمل رساندند.

♦ **این روزها مشغول چه کاری هستید؟**

من در دو سال اخیر دو کار را پیگیری می‌کنم: یکی از کارهای مهم از نظر خودم احیای موسیقی عرفانی بانوان است که با کمک و همراهی مدیر هنری و همسر سرکار خانم نگین ضیایی این موضوع را دنبال می‌کنیم و خوشبختانه استقبال خوبی از آن شده است. دیگر اینکه پروژه فرخوان معرفی صدا‌های خاص موسیقی را پیگیری می‌کنم و خوشبختانه تاکنون خدمت ۱۰ خواننده رسیده‌ایم و از این طریق می‌خواهیم تک تَرک در زمینه موسیقی ملی معاصر همراه با سازهای ملی مثل سنتور و… منتشر کنیم. در حقیقت به دنبال احیای موسیقی ملی معاصر هستیم و به‌گواه خیلی‌ها مورد استقبال واقع شده و با خوانندگان جوان و خوش‌صدا آشنا شده‌ایم. متأسفانه باید بگویم که در سال‌های اخیر اغلب آهنگ‌سازی‌ها ضعیف بوده و به‌خصوص ارکستراسیون ایرانی از بین رفته و قصدمان این است که با سازهای ایرانی ارکستراسیون را مجددا راه‌اندازی کنیم.



♦ **باین‌حال چرا عنوان این روز «روز موسیقی» نیست؟**
این هنر به بلندای تاریخ ایران پیشینه دارد و تا صد سال پیش به نام «موسیقی» شناخته نمی‌شد. در هیچ‌یک از آثار ادبی ایران از شاهنامه گرفته تا اشعار شاعران بزرگی مانند سعدی و حافظ و مولانا و خاقانی و دیگران نامی از موسیقی نیست، همیشه با آوا بوده یا نوا یا نغمه یا طرب. واژه موسیقی فقط در کتب نظری موسیقی که به زبان عربی نوشته می‌شدند، به کار برده می‌شد. در این زمینه بنیاد فرهنگی-پژوهشی نیشابور پیشنهاد دادند با توجه به اینکه موسیقی یک واژه یونانی است، شایسته است این هنر چندهزارساله در گاه‌شمار ایران با نام ایرانی درج شود. حال برخی بهانه کرده‌اند، چون به نام «موسیقی» نیست ما قبول نداریم؛ باید به این دوستان عرض کنم اجباری به وجود نیامده، شما می‌توانید «موسیقی» بگویید، بنویسید و برنامه روز موسیقی را با همین عنوان برگزار کنید. این نام فقط در تقویم به نام «آوا و نواهای ایرانی» آمد، همین!

♦ **وضعیت موسیقی امروز را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

شوربختانه موسیقی ایران درحال‌حاضر اوضاع نا‌بسامان و آشفته‌ای دارد. تقریباً هیچ چیز سر جای خود نیست! و در این‌میان برخی افراد از سوی رسانه‌ها و با پروپاگاندا و تبلیغات، سلیقه را به سمت ضد موسیقی جهت‌دهی می‌کنند؛ اما این شرایط گذراست و چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند و سرانجام موسیقی اصیل و ریشه‌دار ایرانی جایگاه خود را پیدا می‌کند.

خواندند که «بوی جوی مولیان آید همی/ یاد یار مهربان آید همی» است. آیا این کوتاهی نیست که این‌قدر درباره بزرگانی از این دست کم‌کاری کرده‌ایم؟! تازه ادعایمان هم گوش فلک را کر کرده است!

♦ **از نظر شما صفی‌الدین ارموی کیست؟**

صفی‌الدین عبدالمؤمن ارموی از بزرگان ایران بزرگ فرهنگی در سده هفتم هجری به شمار می‌آید که در موسیقی و خوش‌نویسی دارای جایگاه بود. مانند بسیاری از بزرگان دیگر ما تاریخ دقیقی از زندگی او نداریم و برخی جاها مورخان به گمانه‌زنی پرداخته‌اند؛ اینکه زادگاه او ارومیه بوده و سال‌ها در دربار بغداد زندگی می‌کرده در روزگار خلافت عباسی و زمان سلطه مغول‌ها. از آثار او می‌توان به رسالات ال‌ادوار و شرفیه اشاره داشت. ابداع برخی از سازها را نیز منسوب به این دانشمند می‌دانند.

♦ **موسیقی امروز ایران چقدر به امثال ارموی نیازمند است؟**

منظورتان را دقیق‌تر بیان کنید.

♦ **مثلاً بنهون، نابغه آلمانی همچنان محل الهام هنرمندان است، به‌طور مثال مایکل جکسون که سلطان پاپ بود، در یکی از آهنگ‌هایش به‌وضوح از موسیقی بنهون استفاده کرد. حالا امثال ارموی چه طرح نویی در هنر امروز می‌توانند دراندازند؟**

به‌هرروی ما درباره موسیقی استاد فراوانی داریم و بسیاری از اسناد در میانه تاریخ پرفرازونشیب نابود شده‌اند. همین رسالات و اسنادی که از بزرگانی مانند ابن‌سینا، ارموی و مراغه‌ای و… باقی مانده، بسیار باارزش‌اند و برماست که آنها را بخوانیم و پاسداری کنیم تا شاید هم روزی مانند غربیان بتوانیم مانند مثالی که زدید آنها را در هنر و فرهنگ امروزمان جاری کنیم.